

تاریخ وصول: ۱۳۸۷/۳/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۷/۱۰/۲۳

اجرای سنگسار در زمان حکومت غیر معصوم (با تاکید بر دوران معاصر)

دکتر جمیله کدیور *

چکیده:

در این مقاله نویسنده با عنایت به قرآن و احادیث به عنوان دو منبع اصلی فقه و شریعت اسلامی به بررسی سنگسار در اسلام پرداخته، با توجه به واکنش‌های شدید حقوق بشری در قبال اجرای این حکم (و احکام مشابه) در ایران، در صدد پاسخگویی به این پرسش آمده که آیا می‌توان در شرایط فعلی به گونه‌ای عمل کرد که ضمن حفظ موازین شرعی، با اجرای احکام جایگزین یا عدم اجرای این احکام، مانع وهن اسلام و مسلمانان شد؟

به این منظور، ضمن بررسی ریشه‌های قرآنی و روایی بحث سنگسار، با نگاهی به زمینه‌های تاریخی - دینی آن، با استفتا از مراجع عظام و بررسی نظرات صاحب نظران، به طیف متنوعی از نقطه نظرات ارزشمند در این رابطه، از عدم اجازه سنگسار و عدم اجرای حکم در عصر غیبت تا عدم امکان توقف اجرای حکم به عنوان حکم الهی دست یافته است.

کلید واژه‌ها: سنگسار، اجرای حکم، توقف اجرای حکم، موازین شرعی.

* استادیار گروه مطالعات خانواده و زنان دانشگاه الزهرا(س)

kadivar@maktoub.net



مقدمه

سنگسار از جمله موارد مطروحه در قانون مجازات اسلامی است که در بحث حدود (کتاب دوم) در باب اول، مورد اشاره قرار گرفته است.

سنگسار عبارتست از نوعی سیاست که آدمی را تا کمر در خاک نشانده بر آن سنگ باران کنند، به حدی که بمیرد. در شریعت اسلامی سنگسار حد زنای محصنه است. (www.tebyan.net) در فقه، سنگسار مجازات مجرمی است که محصن بوده و مرتکب زنا شده است. اگر مجرم مرد باشد تا محل خاصه و اگر زن باشد تا سینه زنده دفن می شود و سپس آنقدر سنگ به طرف او پرتاب می کنند تا بمیرد. (لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ۳۲۹) یکی از مسایلی که به عنوان فتوای مشهور بین فقهای اسلام رایج می باشد، حد رجم است. از نظر فقها رجم به معنی آن است که اگر مرد یا زن همسر دار (محصن و محصنه) زنا کردند و خود ۴ بار بدان اقرار و اعتراف نمودند و یا ۴ مرد شاهد عادل یا ۳ مرد عادل و ۲ زن عادل، جزییات موضوع را بدون ابهام و بروشنی شهادت دادند و تفاوتی به لحاظ زمان و مکان و... در مورد آنچه شهادت دادند، وجود نداشت؛ حد سنگسار بر آنان جاری خواهد شد.

در مقابل مجازات شلاق در جرم زنا که به حد اصغر مشهور است، فقها مجازات سنگسار را حد اکبر دانسته اند. (همان، ۲۱۱)

در باب اول کتاب حدود قانون مجازات اسلامی ذیل موضوع زنا چند فصل آمده است؛ از جمله تعریف و موجبات حد زنا، راه های ثبوت زنا در دادگاه، اقسام حد زنا و کیفیت اجرای حد. قانون مجازات اسلامی در فصل سوم باب اول کتاب دوم - حدود، ذیل عنوان اقسام حد زنا، به تصریح به مجازات سنگسار اشاره می کند و حد زنا را در رابطه با مرد محصن و زن محصنه که دارای همسر دایم هستند و امکان جماع با همسر خود را در هر زمان دارا باشند و پیرمرد و پیرزن زانی دارای شرط احصان بیان کرده است.

در ادامه این مواد، شرایط و نحوه اجرای حد بر زن باردار یا شیرده، در حال نفاس، مستحاضه، افراد مریض، دیوانه، مرتد... ذکر شده است. همچنین در قانون تفاوت وضع سنگسار زن و مرد مورد اشاره قرار گرفته است. پس از آن نیز به تفصیل کیفیت اجرای سنگسار مورد توجه قرار گرفته

است. (میرزایی، محشی قانون مجازات اسلامی، ۱۳۵-۱۲۰)

در تمام جهان اسلام، اکنون تنها ۶ کشور نیجریه، سودان، عربستان سعودی، افغانستان، امارات متحده عربی و ایران، حکم سنگسار را در قوانین جزایی خود گنجانده‌اند.

(www.bbc.co.uk/persian/iran/story/2006/11/06)

در برخی کشورهای دیگر اسلامی، قانون سنگسار به طور موردی در برخی ایالت‌ها و استان‌ها اجرا می‌شود و در مابقی کشورهای اسلامی این حکم تعطیل شده است.

سال‌هاست که محافل حقوق بشری، ایران را به خاطر برخی اقدامات خود از جمله اجرای قانون سنگسار به عنوان ناقض حقوق بشر به جهان معرفی کرده و در موقعیت‌های مختلف ایران را محکوم کرده‌اند. آنها به طور خاص اجرای قوانینی همچون سنگسار را به عنوان کیفرهایی ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز و توأم با شکنجه تلقی کرده، آن را مغایر با تعهدات ایران در برخی معاهدات و میثاق‌های بین‌المللی، از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و یا اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌دانند که ایران نیز سال‌هاست بدون هر نوع حق شرطی بدان‌ها پیوسته است. هرچند ایران معتقد است که اجرای چنین قوانینی هیچ‌گونه مغایرتی با تعهدات بین‌المللی‌اش، از جمله چهار کنوانسیون و میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشری که به آنها ملحق شده، ندارد؛ ولی متأثر از فضای حقوق بشری حاکم بر عرصه بین‌المللی، در برخی مراودات خود در حوزه‌های اقتصادی، تجاری و سیاسی دچار مشکل شد. به دنبال ایجاد این فضا بخصوص پس از گفتگوهای چندجانبه ایران و اتحادیه اروپا که دو محور اساسی تجاری و حقوق بشری (نگارنده مقاله در سه دور گفتگوهای حقوق بشری ایران و اتحادیه اروپا در تهران و بروکسل حضور داشتم و از نزدیک شاهد اعلام این مواضع از سوی نمایندگان قوه قضاییه، آقایان کریمی‌راد، جمشیدی و زنگنه بودم)، داشت، ایران اعلام کرد که براساس بخشنامه صادره از سوی رییس قوه قضاییه از این پس مجازات سنگسار را اجرا نخواهد کرد رییس قوه قضاییه در یک بخشنامه رسمی در دی ماه سال ۱۳۸۱ اجرای حکم سنگسار را ممنوع کرد و اظهار داشت که در حال حاضر جمهوری اسلامی به دنبال مجازات جایگزین برای این نوع از جرایم است. این در حالی است که مطابق نظر امام خمینی (ره) در سال ۱۳۶۰، شورای عالی قضایی بخشنامه‌ای صادر کرد که دادگاه‌ها حکم رجم صادر



نکنند. (روزنامه اعتماد ملی، ۱۰/۵/۸۶) حال علت این که این بخشنامه بعد از چندی به بوته فراموشی سپرده شد، چندان روشن نیست.

در این مقاله، ضمن بررسی ریشه‌های تاریخی سنگسار در کتب دینی، با عنایت به کتاب مقدس و قرآن، و مطالعه برخی احادیث مرتبط با موضوع، درصدد پاسخگویی به این سؤال اساسی هستیم که آیا در شرایط فعلی می‌توان به گونه‌ای عمل کرد که با حفظ موازین شرعی، منافع و مصالح کشور را نیز مورد اهتمام قرار داد، به گونه‌ای که اجرای احکام موجب انزوای ایران و وهن اسلام و مسلمانان نشود؟ آیا امکان اجرای حکم جایگزین وجود دارد؟ نظر مراجع و فقهای معاصر در رابطه با اجرای مجازات زنا در عصر غیبت چیست؟

۱- ریشه‌های تاریخی سنگسار

سنگسار از جمله قوانین امضایی است که اسلام آن را مورد تأیید قرار داده است. به عبارتی قبل از اسلام نیز این حکم در برخی جرایم از جمله زنا، مورد اجرا قرار می‌گرفت.

۱-۱- سنگسار در عهد قدیم و عهد جدید

در تورات، سنگسار به عنوان شیوه‌ای برای مجازات جرایمی همچون کفر به مقدسات، ارتداد و زنا محصنه تجویز شده است. در سفر تثبیه به تفصیل در مورد هریک آیاتی چند آمده است. در آیات مرتبط با موضوع زنا می‌خوانیم:

اگر کسی برای خود زنی بگیرد و چون بدو درآید او را مکره دارد * و اسباب حرف بدو نسبت داده از او اسم بد شهرت دهد و گوید این زن را گرفتم و چون نزدیکی نمودم او را باکره نیافتم * ...لیکن اگر این سخن راست باشد و علامت بکارت آن دختر پیدا نشود * آنگاه دختر را نزد در خانه پدرش بیرون آورند و اهل شهرش سنگسار نمایند تا بمیرد چون که در خانه پدر خود زنا کرده در اسراییل قباحتی نموده است پس بدی را از میان خود دور کرده‌یی * اگر مردی یافت شود که با زن شوهرداری هم بستر شده باشد پس هر دو یعنی مردی که با زن خوابیده است و زن کشته شوند پس بدی را از اسراییل دور کرده‌یی * اگر دختر باکره به مردی نامزد شود و دیگری او را در



شهر یافته با او هم‌بستر شود * پس هر دوی ایشان را نزد دروازه شهر بیرون آورده ایشان را با سنگ‌ها سنگسار کند تا بمیرند اما دختر را چونکه در شهر بود و فریاد نکرد و مرد را چون که زن همسایه را ذلیل ساخت پس بدی را از میان خود دور کرده‌یی * اما اگر آن مرد دختری نامزد را در صحرا بیابد و آن مرد به او زور آورد با او بخوابد پس آن مرد که با او خوابید تنها کشته شود * و اما با دختر هیچ مکن زیرا بر دختر گناه مستلزم موت نیست، بلکه این مثل آن است که کسی بر همسایه خود برخاسته او را بکشد * ... (کتاب مقدس، عهد قدیم، سفر تثنیه، باب ۲۲، آیات ۱۱۳ الی ۲۷) درحالی که در عهد قدیم از سنگسار به عنوان یک مجازات یاد شده، در تعالیم عهد جدید، عیسی (ع) یک زن زناکار را از سنگسار نجات می‌دهد. این بقولی بدین معناست که براساس تعالیم مسیحیت و عهد جدید، مجازات زنا دیگر سنگسار نیست یا سنگسار دیگر ضرورتی ندارد.

(father cantalmessa, march 25, 2007)

البته تحلیل دیگری نیز در این رابطه وجود دارد که عیسی (ع) در آیه‌ای که در ادامه از آن یاد خواهد شد، هرگز نگفته که کسی را دیگر سنگسار نکنید. بلکه تنها گفته کسانی حق سنگسار کردن دارند که گناهی نکرده باشند.

در باب هشتم انجیل یوحنا چنین آمده است:

اما عیسی به کوه زیتون رفت * و بامدادان باز به هیکل آمد و چون جمیع قوم نزد او آمدند نشستند ایشان را تعلیم می‌داد * که ناگاه کاتبان و فریسیان زنی را که در زنا گرفته شده بود پیش او آوردند و او را در میان برپا داشته * بدو گفتند ای استاد این زن در عین عمل زنا گرفته شد * و موسی در تورات به ما حکم کرده است که چنین زنان سنگسار شوند اما تو چه می‌گویی * و این را از روی امتحان بدو گفتند تا ادعایی بر او پیدا کنند اما عیسی سر به زیر افکنده به انگشت خود بر روی زمین می‌نوشت * و چون در سؤال کردن الحاح می‌نمودند راست شده بدیشان گفت هر که از شما گناه ندارد اول بر او سنگ اندازد * و باز سر بزیر افکنده بر زمین می‌نوشت * پس چون شنیدند از ضمیر خود ملزم شده از مشایخ شروع کرده تا به آخر یک یک بیرون رفتند و عیسی تنها باقی ماند با آن زن که در میان ایستاده بود * پس عیسی چون راست شد و غیر از زن کسی را ندید بدو گفت ای زن آن مدعیان تو کجا شدند آیا هیچ کس بر تو فتوی نداد * گفت هیچ کس ای



آقا * عیسی گفت من هم بر تو فتوی نمی‌دهم برو و دیگر گناه مکن*... (کتاب مقدس، عهد جدید، انجیل یوحنا، باب هشتم، آیات ۱ الی ۱۲)

۱-۲- سنگسار در اسلام

۱-۲-۱- در قرآن

آنچه مسلم است در قرآن پیرامون مجازات سنگسار برای عمل زنا هیچ ذکری به عمل نیامده است. قرآن مجازات زن و مرد زناکار را ۱۰۰ تازیانه شلاق دانسته است: الزانیه و الزانی فاجلدوا کل واحد منهما مائه جلده و لا تاخذکم بهما رافه فی دین الله ان کنتم تومنون بالله و الیوم الاخر و لیشهد عذابهما طائفه من المؤمنین(نور، ۲)

حکم زن و مرد زناکار (این است که) به هریک از آن دو صد تازیانه بزنید و اگر به خدا و روز واپسین باور دارید، در (اجرای) حکم خدا نسبت به آنها دستخوش رأفت نشوید و باید گروهی از مؤمنان در مجازات آن دو حضور یابند.

گفتنی است که تا قبل از نزول آیه ۲ سوره نور، در رابطه با زنان زناکار براساس آیه ۱۵ و ۱۶ سوره نساء عمل می‌شد که زنان را در خانه‌هایشان حبس می‌کردند و یا آنها را مورد آزار قرار می‌دادند: والتی یاتین الفاحشه من نسائکم فاستشهدوا علیهن اربعه منکم فان شهدوا فامسکوهن فی البیوت حتی یتوفهن الموت او یجعل الله لهن سبیلاً* والذان یاتینها منکم فاذوهما تابا و اصلحا فاعرضوا عنهما ان الله کان توابا رحیما (نساء، ۱۵ و ۱۶)

از زنان شما هر که دست به بی‌شرمی زد، از چهار تن از نزدیکان خود بر آنها گواهی بخواهید، اگر گواهی دادند، تا هنگامی که مرگ آنان را فرا گیرد در خانه‌ها نگاهشان دارید، یا خدا راهی دیگر برای آنها بگشاید. و آن زن و مرد (از وابستگان) شما که مرتکب بی‌شرمی شده‌اند، تأدیشان کنید و اگر توبه کردند و به شایستگی آمدند، از سرزنش آنها دست بردارید، که خدا بازپذیری‌ست مهربان. به اعتقاد آیت‌الله طالقانی در خانه نگاه داشتن زنی که دچار انحراف شده تا اصلاح شود، مرحله ابتدایی (اجرای حکم سنگسار) است و باید پنهان باشد. اگر این اتهام آشکار و عملی شود باید در دیدگاه عمومی (ملاء عام) حد تازیانه (جلد) یا سنگسار (رجم) اجرا شود. (طالقانی، ج ۴، بی تا، ۱۰۸)

نکته مهم در این رابطه باز گذاشته شدن راه توبه بر روی افراد خطاپیشه و زناکار است. هرچند براساس کتب فقهی، توبه در صورتی صحیح است که قبل از ثبوت حکم در دادگاه اسلامی و اقامه شهود و صدور حکم دادگاه اسلام انجام یافته باشد، و توبه‌ای که بعد از صدور حکم باشد، هیچ‌گونه تأثیری نخواهد داشت. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۳، ۳۱۰)

به این ترتیب از آیات ۱۵ و ۱۶ سوره نساء برمی‌آید که قبل از نزول حکم سوره نور درباره زناکاران و زنان بدکار، اگر محصنه بوده‌اند، مجازات آنها حبس تا پایان عمر تعیین شده بود و در صورتی که غیرمحصن بودند، مجازات آنها ایذاء و آزار بود. ولی مقدار آن آزار مشخص نشده بود. البته از عبارتهای بعدی مشخص می‌شود که این حکم موقتی بوده است و بعداً با آیات و سنت حضرت رسول (ص) تکمیل گردید. همچنین می‌توان دریافت که این حکم محدود به زنان اعم از مجرد یا شوهردار می‌شد و حکمی مشمول حال مردان نبود.

طبری در تفسیر جامع‌البیان فی تفسیر القرآن ذیل آیه ۲ سوره نور، بدون هرگونه اشاره‌ای به رجم، صرفاً به موضوع جلد در رابطه با زنا با آزاد غیرمحصن و عدم رأفت در اجرای حکم اشاره می‌کند. (طبری، جامع‌البیان فی تفسیر القرآن، ۱۱۱۰)

زمخشری در الکشاف با اشاره به این‌که آیه اشاره به افراد غیرمحصن دارد، مجازات محصن را رجم دانسته، به شرط احصان براساس قول ابی‌حنیفه پرداخته، آن را در اسلام، آزادی، عقل، بلوغ و همسر داشتن و دخول محدود کرده که اگر یکی از آنها نبود، احصان حاصل نمی‌شود، در حالی‌که نزد شافعی اسلام شرط نیست، چنانکه رسول خدا یهودیان زناکار را رجم می‌کرد. (زمخشری، تفسیر کشاف، ۲۱۰-۲۱۱)

امام فخر رازی در مفاتیح‌الغیب، التفسیر الکبیر در ذیل آیه یادشده با اعلام اینکه اکثر مجتهدین اتفاق نظر دارند که محصن رجم می‌شود و تازیانه نمی‌شود، با ذکر مواردی مثل عسیف، ماعز، ماغدیه که جملگی توسط پیامبر رجم شدند؛ از ابوبکر رازی نقل می‌کند که عمر و ابوبکر و علی و جابر بن عبدالله و ابوسعید حدری و ابوهریره و برید و اسلمی و زید بن خالد و دیگران خبر رجم را روایت کرده‌اند. امام فخر با ذکر آیه ۱۵ سوره نساء، می‌گوید این آیه نسخ شد و حد زنا برای ثیب (فرد همسر دار) رجم و برای مجرد تازیانه و تبعید اعلام شد. (فخر رازی، تفسیر مفاتیح‌الغیب، ۲۳)



-۲۴، ۱۳۴)

طبرسی در تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن از جبابی نقل قول می‌کند که این آیه ۱۵ سوره نساء دلالت بر نسخ قرآن با سنت دارد. چرا که با رجم، یا تازیانه و رجم نسخ شد. طبرسی همچنین هر دو قول نسخ و عدم نسخ آیه را توسط اصحاب مورد اشاره قرار می‌دهد و دلایل آن را نیز بیان می‌کند. طبرسی علت تقدم ذکر زانیه بر زانی را شنیع‌تر دانستن این عمل از سوی زنان نسبت به مردان دانسته است. وی در تأیید کلام خود روایت زیر را از حضرت رسول (ص) نقل می‌کند:

قال النبی: خذوا عنی خذوا عنی قد جعل الله لهن سبیلا البکر بالبکر جلد مائه و تعریب عام و الثیب بالثیب جلد مائه و الرجم. (بگیرید از من، بگیرید از من. خداوند راه را برای آنها تعیین کرد. هرگاه ۲ بکر با یکدیگر زنا کند، به هر کدام ۱۰۰ ضربه شلاق بزنید. هر گاه ۲ ثیب با هم زنا کرد، آنها را ۱۰۰ ضربه شلاق بزنید و سنگسار کنید.)

طبرسی در ادامه می‌گوید بعضی اصحاب گفتند کسی که بر او رجم واجب است اول باید تازیانه بخورد و سپس سنگسار شود، و حسن و قتاده و جماعتی از فقها به این قول معتقدند و اکثر اصحاب ما گفتند این امر مختص به شیخ و شیخه (پیرمرد و پیرزن) است و بقیه افراد حکمشان رجم است. (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۵۶۶-۶۷)

علی بن ابراهیم قمی صاحب تفسیر القرآن ذیل آیه ۲ سوره نور می‌گوید: آیه رجم «الشیخ و الشیخه اذا زنیا فارجموهما البته فانهما قضیا الشهوہ نکالا من الله و الله علیم حکیم» نیز نازل شده بود. البته ایشان اشاره‌ای به چرایی نبود و فقدان این آیه در قرآن پس از آن نمی‌کند. وی نیز آیه ۲ سوره نور را نسخ آیه ۱۵ سوره نساء می‌داند. (قمی، ۱۳۷۸، به نقل از سایت التفسیر)

شیخ طوسی در التبیان نیز آیه ۱۵ نساء را آیه‌ای منسوخ دانسته و آن را مستند به قول اکثر مفسرین مثل ضحاک، ابن زید، جبابی، بلخی، الزجاج، مجاهد و ابن عباس و قتاده و السدی دانسته، آنگاه به قول حضرت رسول (ص) پرداخته که می‌فرماید: «قد جعل الله لهن سبیلا البکر بالبکر جلد مائه و تعریب عام و الثیب بالثیب الجلد ثم الرجم.» (شیخ طوسی، التبیان الجامع فی تفسیر القرآن، به نقل از سایت التفسیر)





شیخ طوسی در تفسیر آیه ۲ سوره نور می‌نویسد: بر زانی و زانیه تازیانه می‌زنند. اگر محصن نباشند (هر کدام ۱۰۰ تازیانه) و اگر هر دو محصن باشند یا یکی از آنها محصن باشد، مجازاتش رجم خواهد بود. و نزد ما اول به ۱۰۰ تازیانه و سپس به رجم محکوم می‌شود و نزد اصحاب ما اختصاص به شیخه و شیخ محصن زناکار دارد که ابتدا محکوم به ۱۰۰ تازیانه و سپس رجم می‌شوند. و این قول مورد اعتمادی نیست. آنگاه از حسن (ع) نقل می‌کند که رسول خدا (ص) می‌خواست ثیب را رجم کند و عمر می‌خواست آن را در پایان قرآن بنویسد، ولی این کار را نکرد، مبدا تصور شود جزئی از قرآن است. و از علی (ع) روایت می‌کند که محصن ۱۰۰ تازیانه بر اساس قرآن می‌خورد و آنگاه بر اساس سنت رجم می‌شود و او هم بر همین مبنا عمل می‌کرد. (همان)

فیض کاشانی از امام صادق (ع) نقل می‌کند که رجم در قرآن بود و قول خدای تعالی بود که «الشیخ و الشیخه اذا زنيا فارجموهما البته فانهما قضيا الشهوه». فیض کاشانی ذیل آیه ۱۵ سوره نساء به نقل از عیاشی که از امام صادق (ع) نقل کرده، می‌گوید این آیه نسخ شده و راه حل حدود است و آنگاه به نقل قول حضرت رسول می‌پردازد خذواعنی خذواعنی... (فیض کاشانی، کتاب الصافی فی تفسیر القرآن، ۳۲۹)

به باور علامه طباطبایی ۱۰۰ تازیانه حد زناست به نص این آیه شریفه. چیزی که هست در چند مورد تخصیص خورده: اول این که زناکاران محصن باشند، یا یکی از این دو محصن باشند که در این صورت هر کدام که محصن است باید سنگسار شود، دوم این که برده نباشد. اگر برده باشد حد زناى او نصف حد زناى آزاد می‌باشد. (علامه طباطبایی، المیزان، ۱۱۵، ۱۵)

آیت الله مکارم شیرازی هم می‌نویسند آنچه در آیه فوق آمده یک حکم عمومی است که موارد استثنایی هم دارد؛ از جمله زناى محصن و محصنه که حد آن با تحقق شرایط اعدام است... (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۳۶۴، ۱۴)

ایشان با بیان این که آیه ۲ سوره نور حکم زناى غیر محصنه را بیان می‌کند، می‌گوید این آیه می‌تواند تفسیر و توضیحی برای آیه ۱۶ سوره نساء باشد و به همین دلیل این حکم نسخ نشده است. (همان، ۳، ۳۰۹)

به این ترتیب روشن می‌شود که احکام زنا بر اساس شرایط افراد متفاوت است و آیه ۲ سوره نور

فقط به یک گونه آن اشاره کرده است.

۱-۲-۱- برخی دیدگاههای مخالف

البته به اعتقاد برخی صاحب نظران متأخر دینی در دوران اخیر «الف» و «لام» وارده بر سر مبتدا (الزانی و الزانیه) موجب افاده حصر می شود و تخصیص بردار نیست. یعنی کیفر زنا در قرآن فقط ۱۰۰ تازیانه است و با حکم دیگری تخصیص نمی خورد و اگر قانونگذار می خواهد کیفری را در قرآن بیان کند که عمده قوانین ما هست، نمی آید کیفر ضعیف تر را اول بیان کند و بعد با سنت مسئله رجم را بگوید. این مسئله به اعتقاد قائلین به این رأی مستبعد و مستهجن است که بنای عقلا آن را نمی پذیرد. (موسوی بجنوردی، روزنامه شرق، ۷ مرداد ۸۶)

بعضی از مخالفین دیگر اختصاص آیه ۲ سوره نور به افراد غیرمحسن، که قائل به عمومیت مجازات ۱۰۰ تازیانه برای زناکاران اعم از محسن و غیرمحسن اند، در تأیید نظر خود به آیه ۳۰ سوره احزاب و ۲۵ سوره نساء استناد می کنند که مجازات زنا را افراد مورد نظر که محسنه اند ۲ برابر و نصف حد محسنه آزاد دانسته شده و این زمانی موضوعیت دارد که میزان مجازات، ۱۰۰ تازیانه باشد که دو برابر و نصف آن مشخص است؛ و الا در مورد رجم که نمی توان آن را دو برابر یا نصف کرد.

اول: یا نساءالنبی من یات منکن بفاحشه مبینه فضاعف لها العذاب ضعفین و کان ذلک علی الله یسیرا (احزاب، ۳۰) ای همسران پیامبر هر که از شما مرتکب گناه آشکار شود، مجازات او دوچندان خواهد بود. این بر خدا آسان است. گفته می شود منظور از فاحشه مبینه، زنا است.

دوم: فاذا احصن فان اتین بفاحشه فعلیهن نصف ما علی المحصنات من العذاب ذلک لمن خشی العنت منکم و ان تصبروا خیر لکم والله غفور رحیم (نساء، ۲۵)
... اگر آن زنان (اسیران جنگی) در حصار ازدواج قرار گرفتند و مرتکب بی شرمی شدند، مستوجب نصف کیفر زنان آزاد هستند.

به این ترتیب اگر واحد مجازات مشخص نباشد، دو برابر و نصف بودن بی معنا و لغو است و البته کار لغو از خدای تعالی نشاید.



۱-۲-۱-۲- اشاره به سنگسار در برخی آیات

براساس آیات و تفاسیر معتبر ذکر شده شیعه و اهل سنت روشن گردید که در قرآن به رجم، به عنوان مجازات زنا، هیچ اشاره‌ای نشده است. این درحالی‌ست که قرآن به سنگسار به عنوان مجازات هیچ جرمی نیز اشاره نکرده است. البته در آیات قرآن، در آیاتی چند به رجم اشاره شده، ولی این آیات صرفاً نقل تهدیداتی است که مخالفان نسبت به پیامبران الهی داشته‌اند. آیات زیر روشن‌کننده بحث است:

۱- قال اراغب انت عن الالهی یا ابراهیم لئن لم تنته لارجمنک واهجرنی ملیا (مریم، ۴۶)

(پدرش) گفت: آیا به معبودهای من بی‌علاقه‌ای، ای ابراهیم؟ اگر از مخالفت باز نایستی، سنگسارت می‌کنم. (برو) و دیرگاهی از من دور باش.

۲- قالوا یا شعیب مانفقه کثیرا ما نقول و انا لنریک فینا ضعیفا و لولارهطک لارجمنک و ما انت علینا بعزیز (هود، ۹۱)

گفتند ای شعیب بسیاری از گفته‌هایت را در نمی‌یابیم و تو را در میان خود ضعیف و ناتوان می‌بینیم. و اگر به خاطر خاندانت نبود، سنگسارت می‌کردیم و تو در مقابل ما توانی نداری.

۳- قالوا لئن لم تنته یا نوح لتکونن من المرجومین (شعرا، ۱۱۶)

گفتند ای نوح اگر از این سخنان باز نایستی، سنگسار خواهی شد.

۴- و انی عذت بربی و ربکم ان ترجمون (دخان، ۲۰)

و از اینکه سنگسارم کنید، به پروردگار خود و پروردگار شما پناه می‌برم.

۵- انهم ان یظہروا علیکم یرجموکم او یعیدوکم فی ملتہم ولن تفلحوا اذا ابدوا (کهف، ۲۰)

زیرا اگر بر شما دست یابند، سنگسارتان خواهند کرد، یا شما را به آیین خودشان باز گردانند. و در آن صورت هرگز رستگار نخواهید شد.

۶- قالوا انا تطیرنا بکم لئن لم تنتہوا لنرجمنکم و لیمسنکم منا عذاب الیم (یس، ۲۸)

گفتند ما وجود شما را شوم می‌دانیم. اگر باز نایستید، سنگسارتان می‌کنیم و عذابی دردناک از جانب ما به شما خواهد رسید.

به این ترتیب روشن می‌شود که در آیات یاد شده نیز امر به سنگسار توصیه قرآن نیست؛ بلکه



تهدیدی است که نسبت به رسولان خدا توسط مخالفان و کفار به کار رفته است.

۱-۲-۲ - سنگسار در سنت، احادیث و روایات

هرچند در قرآن هیچ اشاره‌ای به سنگسار برای مجازات زنا نشده است، ولی سنت، (قول و فعل و تقریر) حضرت رسول، ائمه و خلفا به عنوان منبع دوم حقوق و شریعت اسلامی مبین آنست که سنگسار ریشه‌ای عمیق و غیرقابل انکار در سنت دارد.

با توجه به این که منابع استنباط احکام دین منحصر به قرآن نمی‌باشد، بلکه علاوه بر قرآن و حکم قطعی عقل، روایات معتبر منقول از معصومین (ع) نیز جزو منابع احکام شرعی می‌باشند. مطابق حدیث متواتر ثقلین، پیامبر اکرم (ص) کتاب و عترت خود را به عنوان دو مرجع معتبر معرفی نموده و فرمودند: تا زمانی که امت من به این دو مرجع تمسک کنند، هرگز گمراه نمی‌شوند. بنابراین می‌توان آیاتی که در قرآن دلالت بر عموم می‌کند یا اجمال دارد توسط روایات معتبر تخصیص زده و یا تبیین نمود. و آیه سوره نور نسبت به زنا محصنه صراحتی ندارد، بلکه حداکثر ممکن است عام باشد، ولی توسط روایات معتبر، عموم آن تخصیص می‌خورد و منحصر به زنا محصنه می‌شود که حکم آن صد تازیانه است. (پاسخ آیت‌الله منتظری به استفتای نویسنده، ۱/۶/۸۶)

بر اساس احادیث و روایات موجود تردیدی نیست که حکم سنگسار هم در زمان پیامبر اجرا می‌شده و هم در زمان حکومت خلفا و هم توسط امامان شیعه. در احادیث تمام فرقه‌های اسلامی نیز در مورد سنگسار بسیار صحبت شده است. این احادیث در کتب معروف فقه و حدیث اهل سنت و شیعه از جمله صحاح سته (صحیح بخاری، صحیح مسلم، صحیح ابوداؤد، نسایی، ترمذی) و کتب اربعه (اصول کافی، تهذیب، استبصار، من لا یحضره الفقیه) قابل توجه است.

سنگسار از جمله مباحث پیچیده شریعت اسلامی است و در رابطه با کم و کیف و جزئیات آن احادیث و روایات متعددی ذکر شده است. از جمله شبهات مهم در رابطه با این روایات، شبهه وجود آیه‌ای در وجوب رجم است که در بین کتب شیعه و اهل سنت به آن اشاره شده و پیش از این نیز به آن اشاره شد. در ادامه به برخی از اهم این روایات اشاره می‌کنیم.





در نهج الفصاحه بر حکم سنگسار اشاره شده؛ از جمله در آخرین خطبه حضرت رسول(ص) موسوم به حجه الوداع:

... «ایها الناس...والولد للفراش و للعاهر الحجر» (نهج الفصاحه، ۱۳۷۴، ۸۳۰)

ای مردم ... طفل از فراش (بستر) پدید می آید و نصیب زناکار سنگ است.

از امیرالمؤمنین نقل شده که پیغمبر زناکار را سنگسار می کرد و سپس بر جنازه اش نماز می گزارد). (حلی، ۱۴۰۳، ۲۸۹، ۶۸)

در نهج البلاغه در خطبه ۱۲۷ امام علی(ع) می فرماید:

... «در حالی که می دانید پیامبر (ص) زناکار همسر دار را سنگسار می کرد. پس از آن به وی نماز می خواند. پس ارث او را میان خاندانش تقسیم می کرد. قاتل را می کشت و میراثش را به اهلس می داد. دست سارق را می برید. زناکار بدون همسر راتازیانه می زد. پس سهم آنها را از غنایم می داد و می توانستند از زنان مسلمان همسر انتخاب کنند. بنابراین پیغمبر آنها را بواسطه گناهانشان مواخذه می کرد و حق خدای را بر آنها اجرا می نمود، اما سهم اسلامی آنها را از بین نمی برد و نامهای آنان را از دفتر مسلمانان خارج نمی ساخت.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷)

از عنان بن صامت نقل شده است که وقتی بر پیامبر وحی نازل می شد، ایشان برانگیخته می شد و رنگ از روی ایشان می پرید. روزی همین حالت به وی دست داد و گفت: این دستور از طرف الله را از من بگیرید. الله راهی پیش پای آنان قرار داد. کسی که ازدواج کرده باشد ۱۰۰ ضربه شلاق می خورد و بعد سنگسار می شود. شخصی که ازدواج نکرده باشد ۱۰۰ ضربه شلاق می خورد و بعد برای یک سال از شهر تبعید می شود. (مسلم نیشابوری، بی تا، ۲، ۶۵)

این روایت در ذیل تفسیر آیات پیش گفته مورد اشاره قرار گرفت.

روایت شده که علی(ع) زن جوانی به نام شراحه را در روز پنجشنبه تازیانه زد و در روز جمعه سنگسار کرد و گفت: به حکم الله او را تازیانه زد و به حکم سنت رسول الله (ص) او را رجم نمود. (الاحسائی، عوالی الثالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیة، ۲، ۱۵۳)

الشعیبی نیز نقل می کند وقتی علی(ع) زنی را در یک روز جمعه سنگسار کرد، گفت او را طبق سنت رسول الله سنگسار کردم. (البخاری، صحیح بخاری، ۸، کتاب ۸۲، شماره ۸۰۳، مکتبه یعسوب الدین)

شیخ الطائفه صدوق از سعد بن طریف از اصبح بن نباته نقل می‌کند: زنی نزد امام علی(ع) آمد و گفت من زنا کرده‌ام. مرا پاک کن. عذاب دنیا آسانتر از عذاب آخرت است. امام پرسید از چه تو را پاک کنم؟ گفت از زنا. امام پرسید شوهر داری؟ زن پاسخ مثبت داد. زن حامله بود. امام گفت برو تا وضع حملت انجام شود. زن وضع حمل کرد. دوباره نزد امام آمد. امام گفت برو بچه را شیر بده. پس از مدتی زن برای سومین بار آمد و گفت مرا پاک کن. باز امام پرسید از چه پاکت کنم؟ شوهر داری؟ شوهرت نزدت بود؟ امام زن را می‌فرستد که بچه را سرپرستی کند. فردی به نام عمرو می‌پذیرد که سرپرستی بچه را بر عهده بگیرد. امام ابتدا پرخاش می‌کند و چهره‌اش از خشم قرمز می‌شود. زن برای چهارمین بار اقرار می‌کند. علی(ع) ناگزیر از اجرای حکم می‌شود. آنگاه می‌گوید خدایا تو شاهد باش این زن ۴ بار اقرار کرد و من ناگزیر از اجرای حکم هستم. بعد در مسجد کوفه صحبت می‌کند که زن مسلمان مومنه‌ای ۴ بار اقرار کرد. فردا حکمش را در خارج کوفه، قبل از طلوع آفتاب اجرا می‌کنیم. افرادی که برای مشارکت در حکم می‌آیند با چهره‌های پوشیده بیایند و تا وقتی هم به خانه بر می‌گردند، چهره‌هایشان پوشیده باشد که هیچ کدام دیگری را نشناسد. (کلینی، الکافی، ۷، ۱۸۷)

مشابه آنچه ذکر شد، در فروع کافی پیرامون مردی زناکار و اصرار مرد و انکار امام آمده که بالاخره بعد از ۴ بار اقرار امام ناگزیر از اجرای حکم می‌شود. در مراسم، امام خطاب به حاضرین می‌گویند: حد سنگسار حقی از حقوق خداوند است. هر که را حقی از این قبیل برگردن باشد، نتواند در این کار شرکت کند و بایستی برگردد. چه آن کسی که مدیون خدا باشد نتواند حدی از حدود خدا را اجرا کند. پس همه مردم شهر برگشتند و جز امام(ع) و حسن(ع) و حسین(ع) کسی برای اجرای حکم باقی نماند... (همان)

در رابطه با تفاوت حکم با توجه به شرایط متفاوت زناکاران نیز مورد زیر قابل توجه است:
روزی ۶ نفر زناکار را نزد عمر بن خطاب آوردند. عمر حکم کرد که همه آنها را یکسان حکم کنند. امام علی که در آن جلسه حاضر بود، گفت حکم این افراد مشابه نیست. عمر گفت پس آنچه که در باب این جمع باید، به عمل آور. پس حضرت یکی را گردن زد، دومی را سنگسار کرد و سومی را حد زد و چهارمی را نصف حد زد و پنجمی را تعزیر و ششمی را رها کرد. عمر و سایرین



متعجب شدند و علت تفاوت احکام را پرسیدند. حضرت فرمود: اولی ذمی بود که با زن مسلمة زنا کرده بود و از ذمه خود برآمده، پس حکمش گردن زدن بود. دومی محصن بود، او را رجم کردیم. سومی غیر محصن بود و او را تازیانه زدیم. چهارمی که فردی آزاد نبود، آنرا نصف حد زدیم و پنجمی وطی به شبهه کرده بود، او را تعزیر کردیم و ششمی را که مجنون و بی بهره از عقل بود، رها کردیم. (لاهیجی، تفسیر شریف لاهیجی، ۲۵۷، ۳-۲۵۸)

از ابی بن کعب نقل شده است: سوره احزاب به اندازه سوره بقره بود. از جمله این آیه «الشیخ و الشیخه اذا زنيا فارجموهما البته» در آن بود. (المستدرک، ۲، ۴۱۵)

از عمر خلیفه دوم نقل قول شده که الله تعالی محمد(ص) را با حقیقت فرستاد و قرآن را به او وحی کرد. آیه رجم زانی و زانیه نیز در بین سایر آیات وجود داشت. ما آنرا خواندیم، درک کردیم و حفظ نمودیم. ولی آیه یا گم شد و یا نسخ گردید. رسول الله سنگسار کرد و ما هم بعد از ایشان سنگ زدیم. من نگرانم که با گذشت زمان یک نفر پیدا شود و بگوید ما از سنگسار در کتاب خدا اثری ندیدیم و به این ترتیب منحرف و گمراه شود. سنگسار زانی و زانیه در قرآن وجود داشته و یک حقیقت است. اگر ۴ شاهد آنرا ببینند، یا حاملگی صورت بگیرد یا فرد اقرار کند... (بخاری، صحیح بخاری، ۸، کتاب ۸۲، شماره ۸۱۷، مکتبه یعسوب الدین)

الشیبانی نقل می کند که وقتی او از عبدالله بن ابی عوفه پرسید آیا رسول خدا مجازات رجم را اجرا می کرد؟ او پاسخ مثبت داد. وقتی گوینده حدیث سؤال کرد قبل از نزول سوره نور یا پس از آن؟ او جواب داد نمی دانم. (همان، ۸، حدیث ۸۰۴)

از عایشه(س) نقل شده که سوره احزاب که در زمان پیامبر خوانده می شد دویست آیه داشت. اما زمانی که عثمان قرآن را تدوین کرد، شماری از آیات از جمله آیه سنگسار از قلم افتاد. (سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ۸۳، ۶۳۲)

مشابه همین مطلب از عمر نقل شده که سوره احزاب تقریباً به طول سوره بقره بود که دارای ۲۸۷ آیه است و در آن سوره، آیه رجم نیز وجود داشت. (مختصر کنز العمال، در حاشیه کتاب مسند امام، ج ۲، ۲)

همچنین از عایشه نقل شده که وقتی آیات مربوط به «رجم» نازل شده بود، آنها را بر روی



کاغذی نوشته بودند، زیر بالین من قرار گرفت. بعد از وفات پیامبر در حالی که ما مشغول سوگواری و کفن و دفن پیامبر بودیم، یک بز آن قطعه کاغذ را خورد (ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ۲، ۳۹- امام احمد، مسند امام احمد، ۶، ۳۶۹)

هرچند بسیاری از احادیث و روایات منقول در کتب فقهی و روایی به لحاظ سلسله سند و مضمون و محتوا (رجال و درایه) دچار اشکال و ضعف اند، ولی نمی توان نسبت به صحت تعداد قابل ملاحظه ای از این احادیث نیز که بر امر سنگسار صحه می گذارند، خدشه ای وارد نمود. سنگسار رویه ایست که در عهد پیامبر، خلفا و ائمه به عنوان مجازات زناکار اجرا می شده؛ ولی نکته مهم آن است که بر اساس روایات موجود، شرایط ثبوت زنا محصنه و اجرای حکم رجم بسیار سخت و حساس و مستبعد بوده و تحقق آن بسیار نادر بوده است. اکثر موارد مذکور نیز براساس اقرار مرتکبین بوده که تحمل بار گناه را بر خود سنگین و غیر ممکن می دیدند؛ و نه شهادت شاهدان که امری نزدیک به محال بوده است.

۲- گزینه‌ای به جای سنگسار؟

با توجه به آنچه ابتدا در مقدمه ذکر شد و با عنایت به مسایل پیش گفته، در صدد پاسخ به سؤال اصلی مقاله هستیم: آیا می توان در شرایط فعلی گزینه‌ای مناسب برای سنگسار مورد توجه قرار داد؟

درحالی که بر اساس نظرات ارائه شده از سوی بسیاری از مراجع و صاحب نظران دینی امکان چنین رویکردی وجود دارد، جمع دیگری نیز قائل به عدم تغییر حدود الهی تحت شرایط مختلفند؛ هر گروه نیز برای نظرات خود استدلال خاص خود را دارند.

گفتنی است که از امام صادق (ع) روایت شده که فرمودند: دو قانون کیفری است که تا قائم ظهور نکند، طبق موازین شرعی اجرا نگردد؛ سنگسار نمودن زن زانیه و مانع زکات که آن حضرت گردنش را بزند. از آن حضرت آمده که سنگسار حد بزرگ و تازیانه حد کوچک خداوند است.

در ادامه به برخی از این نظرات که عمدتاً یا توسط نویسندگان از مراجع و علمای عالیقدر استفتا شده و یا اخیراً در باب سنگسار از آنان نقل گردیده، اشاره می شود:

آیت‌الله موسوی بجنوردی با ذکر خاطره‌ای از امام خمینی در سال ۱۳۶۰ می‌گوید: «در همان اوایل سال ۶۰ بود که سمیناری در یکی از کشورهای اروپایی برگزار شده بود که به عنوان اثبات اینکه اسلام دین خشونت است، مسئله رجم را مطرح کرده بودند. من خدمت امام رفتم و جریان را به ایشان عرض کردم و ایشان فرمودند چه طرحی دارید؟ گفتم اگر اجازه بدهید به ما در دادگاه‌ها حکم رجم را صادر نکنند، یک شق دیگری را بگیرند. امام فرمودند که این کار را بکنید. من عرض کردم ما این را به شما نسبت می‌دهیم که شما فرموده‌اید. گفتند اشکالی ندارد. من آمدم در شورای قضایی مسئله را نقل کردم و شورای عالی قضایی هم آن را بخشنامه کردند برای همه کشور.» (موسوی بجنوردی، روزنامه اعتماد ملی، ۱۰ مرداد ۸۶)

به استناد این گفته براساس نظر حضرت امام بخشنامه می‌شود که دادگاه‌ها از آن به بعد حکم رجم ندهند و احکام دیگر را به کار گیرند، اعم از جلد یا تعزیر... به عبارت دیگر امام خمینی برخلاف آنچه در تحریرالوسیله خود نوشته بودند، رجم را دستور حکومتی خود قرار ندادند و دستور حذف و جایگزینی آن را با احکام دیگر دادند. (همان)

به این ترتیب روشن می‌شود براساس این نظر در موارد خاصی که اقتضا می‌کند و مصلحت اسلام است این حکم یا هر حکم دیگر را می‌شود تعطیل کرد.

حال علت اجرای حکم سنگسار پس از صدور این بخشنامه در برخی نقاط کشوری سال‌های بعد، موضوعی ست که از حوصله این بحث خارج است.

آیت‌الله العظمی منتظری در پاسخ به استفتای نویسنده از ایشان می‌نویسند: «هرگاه اجرای مجازات در بعضی شرایط مستلزم عوارض منفی باشد، حاکم اسلامی می‌تواند و باید به طور موقت اجرای آنرا متوقف نماید تا شرایط متناسب پیدا شود و این حقیقت از موثقه غیاث بن ابراهیم (وسایل الشیعه، کتاب الحدود، ابواب مقدمات الحدود، باب ۱۰) به خوبی فهمیده می‌شود. (پاسخ آیت‌الله منتظری به استفتای نویسنده، ۱/۶/۸۶)»

ایشان در پاسخ به استفتای دیگری می‌نویسند: «فرهنگ جوامع و عادات و سنن اجتماعی آنان در تاثیر مثبت انواع مجازات‌ها و تأمین اهداف ذکر شده متفاوت می‌باشد. ممکن است نوعی از مجازات در زمانی به خاطر فرهنگ حاکم بر جامعه مفید و مؤثر و تأمین کننده مصالح مورد نظر



شارع باشد، در زمان و فرهنگ دیگری چنین نباشد و توجه به این نکته و ملاحظه لحن ادله مربوطه و ملاحظه شرایط صدور روایات و توجه به قراین حالی یا مقالی آنها در استنباط فقیه ادله مربوطه نقش زیادی دارد... از روایات استفاده می‌شود اگر اجرای حدود در زمان یا مکان خاصی عوارض منفی برای فرد یا جامعه اسلامی داشته باشد، موقتا باید ترک شود. بنابراین با فرض این که اجرای حدی از حدود موجب بدبینی عده زیادی از مردم دنیا به اسلام و یا وهن مذهب باشد، باید آن حد موقتاً و تا زمان روشن شدن اذهان و تبیین فلسفه تشریح حد متوقف گردد.» (منتظری، ۲۱ دی ۸۴)

آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی نیز در پاسخ به استفتای نویسنده اظهار داشتند: «ما حکم رجم را در این زمان اجازه نمی‌دهیم. تازیانه مربوط به زنای محصنه است.» (پاسخ آیت‌الله مکارم شیرازی به استفتای نویسنده، ۱۰/۶/۸۶)

آیت‌الله العظمی سید صادق الحسینی الشیرازی در پاسخ به سؤال نویسنده چنین اظهار داشتند: «انسان تا زمانی محترم و دارای کرامت است که به دیگران احترام بگذارد و دیگران را گرامی دارد. پس اگر چنین نکند و دیگران را تحقیر کند و تجاوز به حقوق دیگران کند، در واقع خود را تحقیر و بی‌کرامت کرده است. دستی را که اگر بی‌گناه کسی قطع کند، دیه اش نصف دیه کامل است یعنی پانصد مثقال طلا، همین دست چنانچه صاحبش دزدی کند، ارزش خود را از دست داده و بی‌حرمت می‌شود و به خاطر یک دینار دزدی قطع می‌گردد. پس ملاک ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها باید در جامعه تعریف شود و به مجرد تعریف ناصحیح دشمنان چه مغرضانه و چه ناآگاهانه نباید از اصول عقلی و فطری دست برداشت و باید دانست تمام احکام الهی با فطرت و عقل سلیم سازگاری دارد، اگر چه ما نتوانیم پی به علل اصلی آن ببریم، ولی چون صادر از خالق دانا و توانا و حکیم است و حکیم کار بیهوده نمی‌کند، پس باید تسلیم شد، حتی اگر مصلحت آن را درک نکنیم.» (پاسخ آیت‌الله شیرازی به استفتای نویسنده، ۱۳/۶/۸۶)

ایشان در پاسخ به سؤال دیگر نویسنده اظهار داشتند: «اظهار این است که در اجرای احکام و





حدود الهی چنانچه شرایط آن محقق شود، فرقی بین زمان غیبت و زمان حضور نمی‌باشد. مثل بقیه احکام الهیه و همین نظر مورد قبول مشهور فقهاست، قدیما و حدیثاً.» (پاسخ آیت الله شیرازی به سؤال نویسنده، ۲۰ شهریور ۸۶)

آیت‌الله العظمی صاعی نیز در پاسخ به سؤال نویسنده اظهار داشتند: «مسئله ناپسندی و خشن دانستن آنها احکام اسلام را نمی‌تواند مشرع باشد و قوانین اسلام تابع انظار و بینش‌های دیگران نیست و الا احکام باید به تدریج تعبیر کند و در نتیجه اسلامی نمی‌ماند تا خشن باشد یا سهل. آری وقتی به این‌گونه مسئله‌ها برخورد نمودیم دقت زیادتری در استنباطمان بنماییم تا شاید به نظریه و فتوای مثل میرزای قمی (قدس سره) برسیم که معتقد است جواز اجرای حدود در زمان غیبت محل تأمل و توقف است و باید به جای آنها تعزیر نمود و یا در رابطه با اثبات آن به طرق خاصه یعنی چهار مرتبه اقرار عن وجدان دینی و وصفی که در روایات آمده و یا چهار شاهد آن هم با وضع خاص به خود که غالباً بلکه به‌طور کلی در ازمنه بعد از حضور ائمه معصومین (ص) تحقق پیدا نکرده و نمی‌کند که بنده بر این نظر هستم و راه اثبات را در حدود عرفیه منحصر به همان دو راه می‌دانم لا غیر. به هر حال با یکی از این دو نظریه اشکال‌ها مرتفع می‌گردد و احکام اسلامی با توجه به فتوای فقهای عظام برای همیشه محفوظ می‌ماند و شبهه تغییر و تجدید نظر در احکام و همیشگی نبودن آن بوجود نمی‌آید.» (استفتای نویسنده از آیت الله صاعی، ۳۱ مرداد ۸۶)

ایشان در مورد حکم سنگسار می‌گویند: «در این مورد یا باید آیین دادرسی خاص رعایت گردد و اقرار وجدانی و شهادت کامل ۴ نفر تحت شرایط سختی لحاظ شود و یا این‌که بنا بر فتوای میرزای قمی اجرای حکم را منوط به ظهور امام معصوم کنیم و به هر حال علم قاضی در این زمینه ملاک نیست.» (۸۶/۵/۲۴ سایت آیت الله صاعی، www.saanei.org)

ایشان در گفتگوی دیگری، با رد اقرار از داخل زندان و از روی خوف و ترس، در پاسخ به این مسئله که وقتی اقرار و شهادت محقق نمی‌شود، با چنین جرایمی چه باید کرد، می‌گویند باید این افراد تعزیر شوند، آنها را تنبیه کنند، نه حد و رجم و سنگسار... بنابر نظر میرزای قمی اصلاً این حدود مال زمان حضور امام معصوم است و در زمان غیبت فقط باید تنبیه و مجازات کرد. (شاید سنگسار حکمی برای دوران حضور معصوم باشد، گفتگوی رادیو زمانه با آیت‌الله صاعی، ۸۶/۶/۱)

آیت‌الله العظمی شیخ لطف‌الله صافی نیز در پاسخ به استفتای نویسنده چنین پاسخ دادند: «آنچه به عنوان حد است قابل تغییر نمی‌باشد. لازم به ذکر است آنچه موجب وهن اسلام و مسلمین است این که مسلمان‌ها در برابر کفار و قوانین لائیکی و غیر مبتنی بر رسالات انبیا، خودباخته باشند و از مواضع اسلامی خود تنازل کنند. این قوانین هزار و چهارصد سال بر دنیای وسیع اسلام حاکم بوده و دیگران هم اطلاع داشته‌اند و همیشه کفار و بیگانگان برداشت‌های سوء و مغرضانه از احکام مختلف دینی داشته‌اند و مسلمانان به آن کمترین توجهی نداشته‌اند.» (پاسخ آیت‌الله صافی به استفتای نویسنده، ۱۵ شعبان المعظم ۱۴۲۸)

آیت‌الله العظمی سید محمد حسینی شاهرودی نیز در پاسخ به سؤال‌های نویسنده اظهار داشتند: «رجم در خصوص موارد خاص می‌باشد و توجیه حکم رجم از روایات صحیحه وارده از اهل بیت علیهم‌السلام و آنچه که در کتاب علل الشرایع آمده قابل تردید نمی‌باشد و این که جامعه ناآگاه کفار اکثر احکام اسلام را خشن می‌دانند نمی‌توان متناسب با مصالح زمان و مکان و خواست بی‌اساس آنان اقدامی نمود.» (پاسخ آیت‌الله شاهرودی به سوال نویسنده، ۱۹ شهریور ۸۶)

ایشان در پاسخ به سؤال دیگر نویسنده اظهار داشتند: «رجم در زمان غیبت معصوم نیز لازم الاجرا می‌باشد.» (پاسخ آیت‌الله شاهرودی به استفتای نویسنده، ۲۷ شهریور ۸۶)

آیت‌الله محقق داماد نیز بر این باورند که: «اجرای این گونه مجازات‌ها شرایطی دارد. اولین شرط مجازات سنگسار و اجرای حدود الهی، جامعه قدسی و الهی است. جامعه‌ای که تحت مدیریت شخص معصوم زندگی می‌کند و مجری آن هم چهره الهی دارد. به این معنا که اطمینان به عدم خطای آن مدیر دارد. در چنین جامعه‌ای مرتکبین این گونه خطاها خود درخواست می‌کردند که حد الهی اجرا شود تا از عذاب اخروی رهایی یابند... بسیاری از محققین بزرگ مثل محقق حلی، و نیز علمای بزرگ قرن حاضر مانند حضرت آیت‌الله خوانساری اجازه نمی‌دادند که این حدود به جز زمان امام معصوم اجرا شود.» (محقق داماد، روزنامه شرق، ۲۹/۷/۸۳)

تردید نیست که عقل نیز حکم می‌کند که بشر در بستر عرف جامعه حرکت کند. احکام نیز از این قاعده مستثنی نیستند. شاید در زمانی عرف یک جامعه سنگسار را برای مبارزه با بی‌عفتی پیسنده، ولی در زمانه‌ای دیگر بتوان با شیوه‌هایی بهتر با این مفاسد برخورد و مبارزه کرد.





به عبارتی به اعتقاد جمعی از علما، احکام جزا اگر در عرف زمان قابل دفاع نباشد و آن هدفی که دنبال می‌کنیم جواب ندهد، طبیعتاً این احکام قابل بازنگری است. (فاضل میبیدی، روزنامه اعتماد، ۴ مرداد ۸۶)

با توجه به دامنه گسترده و متنوع آراء ذکر شده و بازخوردهای اجرای حکم سنگسار در شرایط حاضر، به نظر می‌رسد به جای حکم اولیه سنگسار، احکام ثانویه جایگزین، همچون جلد، تعزیر و مجازات حبس مورد اجرا قرار گیرد. ضمن این که اصلاح قانون مجازات اسلامی در رابطه با این موضوع و موضوعات مشابه، می‌تواند یکی از راهکارهای مؤثر و مفید باشد. با عنایت به پویایی فقه شیعه در توجه به مصالح زمان و مکان، حفظ حرمت اسلام و مسلمانان، باید به عنوان اولویت اساسی، مد نظر دست اندرکاران قرار گیرد.

جمع بندی

اگر بپذیریم که حفاظت از دین مبین اسلام بزرگترین وظیفه و واجب واجبات است، صیانت و حفاظت از آبروی دین رسول الله (ص) و جلوگیری از اقداماتی که موجب وهن اسلام و خدشه به وجهه عمومی و بدبینی عامه نسبت به آن می‌شود نیز از جمله واجبات است. در این رابطه با توجه به آنچه گذشت، نکات زیر قابل توجه است:

۱- بر اساس برخی روایات وارده و نظر جمعی از فقها و مراجع عظام که در متن به برخی از آنها اشاره شد، هر چند حد زنای محصنه در اسلام سنگسار است، ولی اجرای آن در عصر معصوم موضوعیت دارد و مجاز دانسته شده است. براساس این نگرش در عصر غیبت، مجرمین را به جای سنگسار به نحوی دیگر نیز می‌شود تأدیب و تنبیه نمود. ضمن این که احکام ثانویه این قدرت را در فقه ایجاد کرده که بتوان از ابزارهای مختلف، متناسب با مصالح استفاده کرد.

۲- با توجه به ضرورت هماهنگی مجازات‌ها با عرف زمانه، اجرای چنین مجازات‌های جایگزینی، ضمن آن که می‌تواند برای مبارزه با جرایم مفید و موثر باشد، با عرف امروزی جامعه ما نسبت و تطابق بیشتری دارد، ضمن این که با عرف بین‌المللی نیز که در برخی مواقع جنبه آمره به

خود گرفته نیز تناسب بیشتری دارد.

۳- تعهدات کشورمان به برخی میثاق‌های بین‌المللی نیز حکم می‌کند که نهادهای مربوطه، به مجازات‌های جایگزین بیشتر بیندیشند.

مطابق بند ۲ ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که ایران بدون حق شرط به آن پیوسته است، صدور حکم اعدام منحصراً برای جرایم خیلی سنگین و شدید مجاز است. براساس ماده ۷ همین میثاق و ماده ۱۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، آزار و شکنجه و مجازات و رفتارهای خلاف شئون انسانی ممنوع است. (مهرپور، نظام بین‌المللی حقوق بشر، ۵۹ - ۶۰)

بر این اساس، تعهدات بین‌المللی ایران حکم می‌کند کشورمان درصدد توقف مجازات سنگسار با توجه به توضیحات پیش گفته برآید.

۴- جای تعجب است که چرا علیرغم نظر مساعد حضرت امام(ره) در ابتدای انقلاب و انتشار بخشنامه از سوی شورای عالی قضایی در آن زمان براساس نظر ایشان برای اجرای حکم جایگزین و صدور بخشنامه اخیر از سوی آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی رییس قوه قضاییه، هم‌چنان حکم سنگسار در ایران مورد اجراست؟

البته در این رابطه ۲ سؤال جدی دیگر نیز وجود دارد؟

اول - علت عدم انتشار متن هر دو بخشنامه (منتسب به امام خمینی(ره) و شورای عالی

قضایی در سال ۶۰ و بخشنامه آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی در سال ۸۱) در سطح عمومی چیست؟

دوم - چرا به جای صدور بخشنامه‌هایی که جنبه توصیه‌ای - و نه اجرایی - دارند، اقدام به

اصلاح قانون مجازات اسلامی نمی‌شود؟

حجت الاسلام فتحی نماینده فقهی مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه در مصاحبه‌ای گفته:

«در مورد رجم تحقیقاتی در مرکز صورت گرفته و مشکلات اجرای آن بررسی شده و با گرفتن استفتاء از مراجع به این سمت رفته‌ایم که رجم از مجازات کیفری ما حذف شود، اما متأسفانه این مسئله مورد قبول واقع نشد.»

باید پرسید این مسئله علیرغم نظر مثبت رییس قوه قضاییه و حمایت اکثر مراجع، مورد قبول

چه فرد یا افرادی واقع نشد؟ به نظر حلقه مفقوده موضوع، پاسخ به این پرسش است.



- ۵ - با توجه به اینکه اسلام دین رحمانی مبتنی بر رأفت و رحمت و آیینی جامع برای همه زمان‌ها و مکان‌هاست، که برای همه نیازهای بشر برنامه دارد، باید متناسب با نیازها و عرف امروزین جامعه پاسخگو باشد. والّا تصویری که از اسلام و مسلمانی در اذهان ایجاد می‌شود، تصویری متمایز و دگرگونه از اسلام واقعی است.
- ۶- هر چند جمعی از مراجع به اجرای حد سنگسار در عصر غیبت تأکید دارند، به نظر می‌آید بتوان با توجه به احکام ثانویه در این زمینه عمل نمود.
- ۷- اقداماتی همچون اصلاح قانون مجازات اسلامی، اجرای احکام جایگزین خفیف‌تر همچون اجرای حد جلد، تعزیر و حبس و تدوین آیین دادرسی خاص می‌توانند به عنوان راهکارهای مناسبی مد نظر قرار داد. البته با توجه به برخی مقاومت‌ها از سوی محافل مذهبی، اعمال و اجرای حکم حکومتی در این زمینه نیز می‌تواند به عنوان پیشنهادی قابل تأمل ارایه گردد.
- ۸- و بالاخره با توجه به شرایط خاص بین‌المللی و مشکلات فزاینده کشور، به نظر می‌رسد هر چه از میزان حساسیت‌های بین‌المللی کاسته شود، مجال رشد و توسعه کشور بیشتر فراهم خواهد گردید. اجرای احکام جایگزین سنگسار یکی از موضوعاتی است که می‌شود با عنایت به نظرات فقهی - حقوقی جدید، موجب کاهش حساسیت‌ها شود.

فهرست منابع:

الف - کتاب

۱. ابن ماجه، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، استانبول: دارالدعوه، (۱۹۸۲).
۲. الاحسائی (ابن ابی جمهور)، محمد ابن علی بن ابراهیم، عوالی الثالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیّه، قم: مطبعه سید الشهداء، (۱۴۰۳).
۳. احمد بن حنبل، مسند امام احمد، استانبول: دارالدعوه، (۱۹۸۱).
۴. محمدی، سید کاظم، المعجم المفهرس لالفاظ نهج البلاغه، محمددشتی، قم: نشر امام علی، (۱۳۶۹).
۵. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، با شرح و تحقیق قاسم اسماعیل الرفاعی، ۹ ج در ۴ مجلد، بیروت: دارالعلم، (۱۴۰۷).

۶. رازی، فخرالدین محمد بن عمر، (امام فخر رازی)، (۱۴۱۳)، **تفسیر مفاتیح الغیب**، التفسیر الکبیر، طهران: مکتب الاعلام الاسلامی، ط رابع.
۷. زمخشری، جارالله، (۱۴۰۷)، **تفسیر کشاف**، بیروت: دارالکتب العربی.
۸. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان، **الاتقان فی علوم القرآن**، سید مهدی حائری یزدی، به تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم. ۲ ج، تهران: امیر کبیر، (۱۳۶۳).
۹. شریف لاهیجی، بهاء الدین محمد بن شیخعلی، **تفسیر شریف لاهیجی**، تصحیح و مقدمه دکتر ابراهیم آیتی، تهران: موسسه مطبوعاتی علمی، (۱۳۴۰).
۱۰. طالقانی، سید محمود، **پرتوی از قرآن**، تهران، شرکت سهامی انتشار، (بی تا).
۱۱. طباطبایی، سید محمد حسین، **المیزان**، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی. تهران: بنیاد فکری و علمی علامه طباطبایی، با همکاری نشر فرهنگی رجا، ۲۳، (۱۳۶۷).
۱۲. طبری، **جامع البیان فی تفسیر القرآن**، به تصحیح و اهتمام حبیب یغمایی، تهران: توس، (۱۳۵۶)، چاپ دوم.
۱۳. طبرسی، شیخ ابوالفضل بن الحسن الطبرسی، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، ترجمه دکتر احمد بهشتی. تهران: موسسه انتشارات فراهانی ۵۰، (بی تا).
۱۴. طوسی، محمد، **التبیان الجامع فی تفسیر القرآن**، بیروت: دار احیاء التراث العربی، (بی تا).
۱۵. فیض کاشانی، **کتاب الصافی فی تفسیر القرآن**، تهران: کتابفروشی اسلامیة، (۱۳۷۴).
۱۶. قرائتی، محسن، **تفسیر نور**، قم: موسسه در راه حق، (۱۳۷۵).
۱۷. حیدریان، محمد حسین، **توضیح و تفسیر علی اکبر طاهری قزوینی**، (ترجمه قرآن مجید) ویرایش علیرضا باقر، تهران: قلم، (۱۳۸۰).
۱۸. قمی، علی ابن ابراهیم، **تفسیر القرآن**، ۲ مجلد. نجف: مکتبه الهدی، (۱۳۷۸).
۱۹. بی نا، **کتاب مقدس**، دارالکتاب المقدس فی الشرق الاوسط، (۱۹۸۷).
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، ۸ ج، بیروت: دارالاضواء، (۱۴۰۵).
۲۱. لنگرودی، محمد جعفر، **ترمیمولوژی حقوق**، تهران: گنج دانش، (۱۳۷۸).
۲۲. مجلسی، محمد باقر، **بحار الانوار**، ۱۱۰ مجلد، بیروت: موسسه الوفاء، (۱۴۰۳).
۲۳. مسلم بن حجاج قشیری، **صحیح مسلم**، با شرح نووی، ۱۸ ج در ۹ مجلد، بیروت: دار احیاء التراث العربی، (بی تا).



۲۴. مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، تهران: دارالکتب الاسلامیه، جلد ۲۸، (۱۳۸۵).

۲۵. مهرپور، حسین، **نظام بین المللی حقوق بشر**، تهران، اطلاعات، (۱۳۷۷).

۲۶. میرزایی، علیرضا، **محشی قانون مجازات اسلامی**، تهران: بهنامی، (۱۳۸۴).

۲۷. بی‌نا، **نهج الفصاحه**، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴.

ب - سایت‌های اینترنتی

ب ۱ - سایت های تفاسیر قرآن، کتب فقهی و روایی

ب ۱ - ۱ - سایت التفسیر شامل تفاسیر معتبر شیعه و اهل سنت: altafsir.com

ب ۲ - ۱ - سایت الشیعه - alshia.com

ب ۳ - ۱ - سایت مکتبه یعسوب الدین شامل کلیه کتب فقهی و روایی شیعه و اهل سنت: yasoob.org

ب ۱ - ۴ - سایت کتابخانه قرآن کریم : quran.al.shia.com

ب ۱ - ۵ - سایت تبیان: tebyan.net

۲ - سایت های مراجع عظام تقلید

۱ - سایت آیات عظام منتظری، مکارم شیرازی، صانعی، حسینی الشیرازی، حسینی شاهرودی، صافی،

سیستانی، خامنه ای، علامه فضل الله، وحید خراسانی، فاضل لنکرانی، ... (جهت استفتاء)

۳ - سایت های خبری و تحلیلی

۲ - سایت رادیو بی بی سی، ۲۰۰۶/۱۱/۶

۳ - سایت رادیو فردا، مرداد ۸۶.

۴ - سایت رادیو زمانه، ۸۶/۶/۱.

۵ - سایت ویکی پدیا، ذیل موضوع سنگسار: stoning

ج - مقالات روزنامه ها

۶ - روزنامه اعتماد، ۴ مرداد ۸۶.

۷ - روزنامه اعتماد ملی، ۷ و ۱۰ مرداد ۸۶.

۸ - روزنامه شرق، ۲۹ مهر ۱۳۸۳.